

آموزه های معنی سنجی

تربیتی اذان

آموزه‌ها و مفاهیم تربیتی اذان

مریم الهامی پور*

چکیده

اذان شعاری الهی است و ترسیم گر جهت و برنامه زندگی افراد که در اوقات شرعی از فراز مناره‌های مساجد (پاک‌ترین و مقدس‌ترین اماکن روی زمین) روح و جان خداجویان را معطر نموده و آنان را به سوی مبدأ و قبله آمال جهانیان رهنمون می‌شود. اذان تأکیدی است بر این حقیقت که رمز سعادت، نماز است. البته نمازی همراه با ولایت واضح و مبرهن است که شیعیان هرگز در اذان تحریفی ایجاد نکرده‌اند و عبارت «أشهدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهُ» را به عنوان جزئی از ایمان و ولایت از روی حب و دوستی و بیعت در اذان می‌گویند. ادب مسلمانی ایجاب می‌کند که اذان را هم مثل سایر عبادات با حفظ همه آداب و شرایطش به جای آورد تا به نحو مؤثر موجب ترغیب مؤمن به ادائی فریضه نماز مقبول در گاه الهی گردد.

واژگان کلیدی: اذان، اهمیت شناخت اذان، آداب اذان، معارف تربیتی.

* کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق.

مقدمه

حس نیایش از اصیل ترین ابعاد وجود انسان و پایدارترین و قدیمی ترین **تجلیات روح آدمی** است که از آغاز خلت بشر در هر گروه و مکانی وجود داشته و تنها شیوه آن و شخص معبد متفاوت بوده است. از نظر شکل و حرکات دسته جمعی موزون و ناموزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد تا عالی ترین خضوعها و از نظر معبد از سنگ و چوب تا ذات قیوم ازلی ابدی متزه از بعد و مکان.

رسالت پیامبران در این سیر تنها هدایت افراد و اصلاح **الگو** و شیوه نیایش آنها بوده تا از شرک و خرافه پرستی باز داشته و به سوی خالق کائنات و مبدأ و منتهای هستی رهنمون گرددند.

کامل ترین و زیباترین **تجلی عبادت** و پرستش خدا نیز نماز است؛ نمازی که خیر العمل است به شرطی که مقرون به ولایت و نیکی به فاطمه **ؑ** و فرزندان او **علیهم السلام** باشد و اذان، شعاری رسا و دعوی رسمی به سوی این نماز است البته همراه با تأکید و تکرار که ای بندگان خدا! راه نجات و سعادت در نماز است. پس آن را دریابید و خود را در آن شست و شو داده و به رشد و تعالی برسانید و به زندگی جاوید دست یابید که هرگز مرگی در آن نخواهد بود. هدف اصلی این پژوهش بررسی مفاهیم و وجهه زیبایی اذان است که شامل اهداف جزیی آشنایی با تفاوت‌ها و علل اختلافات اذان شیعه و اهل سنت، تاریخچه تشریع و فلسفه اذان، آشنایی با مفاهیم لفظی، معنوی، زمانی و مکانی اذان است تا بتوان به این سؤال پاسخ داد که چه مفاهیم و زیبایی‌هایی در اذان نهفته است؟

این موضوع از آن‌جا ضرورت پیدا می‌کند که اگر نماز و فرهنگ آن در جامعه فraigir و نهادینه شود، کمتر کسی قدرت بدی پیدا می‌کند و اگر افراد به آن سطح از آگاهی و معرفت و شعور دینی دست یابند که خود تشخیص دهند، جهت اصلاح درون و برون خویش به نماز نیازمندند و فعالانه و دلسوزانه به آن روی آورند و خانواده و اطرافیان خویش را به آن متوجه نمایند، دیگر زمینه پیدایش و رشد افکار منفی و رفتارهای نادرست هم ایجاد نخواهد شد. اما امروزه اذان در جامعه اسلامی ما غریب و مهجور مانده است و همچنان هستند افرادی که در اثر جهل و ندانی از اسرار، فضایل و آثار اذان به آن بی‌حرمتی کرده و حقش را ضایع می‌نمایند.

از طرفی در راستای اشاعه فرهنگ نماز هنوز خلاهای زیادی وجود دارد. در راستای آشنایی با همه ابعاد، آثار و لایه‌های مفهومی اذان نیز به ندرت می‌توان کتاب یا نوشتہ‌ای مستقل و مستند و جامع معرفی نمود. اکثر قریب به اتفاق تألیفات در این موضوع به صورت گذرا، اجمالی و در قالب متون قدیم و جدید دیگر که از نماز و آداب و شرایط آن بحث کرده‌اند، می‌باشند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب ارزشمند «فلاح السائل» مرحوم سید بن طاوس و یا «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» شیخ صدوق **ؑ** اشاره کرد. روش تحقیق این نوشتار کتابخانه‌ای بوده و شیوه جمع آوری اطلاعات آن، جست و جو در منابع تفسیری، روایی، تاریخی و دینی و سایت‌های اینترنتی می‌باشد. از این‌رو ابتدا تاریخچه، فلسفه تشریع و جایگاه ارزشی اذان به استناد آیات قرآن مجید و روایات معصومین **علیهم السلام** و متون تاریخی بیان می‌شود و سپس به بیان وجهه زیبایی اذان می‌پردازد.

۱. تعریف و انواع اذان

الف. اذان در لغت و اصطلاح

تعریف لغوی اذان نظرات یکسانی مشاهده می‌شود از جمله:

- اذان یعنی: «جار زدن، اعلام کردن، بانگ نماز» (بندر یگی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۰)؛
- «اذان در لغت اعلام است و در شرع، اعلام به وقت نماز به طریقی مخصوص و معروف گاه اذان اطلاق می‌شود بر الفاظ مخصوصه معروفه که مجموع آن الفاظ را نیز اذان می‌گویند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۱۲).
- «الفاظ مخصوصی به زبان عربی که پیش از نماز برای دعوت مسلمانان به برپایی نماز خوانده می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۵).

«در اسلام کلمات مخصوصی که برای خواندن مؤمنان به نماز توسط مؤذن به بانگ بلند ادا می‌شود را اذان می‌گویند» (صاحب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۸).

و در اصطلاح هم اذان «یک حرکت معنوی و سیر روحانی است که با کبریایی خدا آغاز و به همان خاتمه می‌باید منادی انسان به سوی عبادت و بندگی خدا، تلقین شهادت به وحدانیت وی، بیانگر توحید، امامت، نبوت، از بزرگترین و جذاب‌ترین شعائر الهی و حالت توجه و آمادگی برای نمازگزار است» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۹).

ب. اذان در شرع مقدس اسلام

در شرع مقدس اسلام دو نوع اذان تعریف شده است: الف) اذان اعلام (ب) اذان نماز الف) منظور از اذان اعلام، همان اذانی است که مؤذن با داخل شدن وقت نماز سر می‌دهد تا بدین وسیله مسلمانان که در گیر مشاغل و اعمال روزانه هستند، متوجه زمان اقامه نماز شده و برای راز و نیاز با معبود، روح و جان خویش را آماده نمایند.

ب) منظور همان اذانی است که هر شخص قبل از آغاز نماز خویش قرائت می‌کند. این اذان جزو مستحبات و مقدمات نماز بوده و معنویت خاصی به نمازگزاری که با طهارت و توجه قلب در جایگاه عبادت قرار گرفته، می‌بخشد (همان، صص ۷۸-۷۹).

۲. تاریخچه و فلسفه تشریع اذان

الف. تاریخچه تشریع اذان

در پاره‌ای از روایاتی که از طریق اهل سنت نقل شده، مطالب عجیبی در این مورد دیده می‌شود که با منطق اسلامی سازگار نیست. از جمله این که نقل کردۀ‌اند: پیامبر ﷺ به درخواست اصحاب مبني بر این که نشانه‌ای برای اعلام وقت نماز قرار داده شود، با دوستان خود مشورت کردند، هر کدام نظری مطرح نمودند از قبیل برافراشتن پرچم مخصوص، روشن کردن آتش، زدن ناقوس، ولی پیامبر ﷺ هیچ کدام را پذیرفتند تا این که عبدالله بن زید و عمر بن خطاب در خواب دیدند که شخصی به آنان دستور می‌دهد برای اعلام وقت نماز اذان بگویند و آن‌گاه آن را به آن دو آموزش داد و بعد پیامبر ﷺ نیز پذیرفت.

اما شیعه امامیه طبق روایات فراوان اهل بیت ﷺ اتفاق دارند که اذان و اقامه از متن دین و شعائر آن است و خدای متعال آن را در سال اول هجری بر پیامبر ﷺ نازل فرمود و در تشریع آن هیچ انسانی نه در بیداری و نه در خواب مشارکت نداشته و در تمام فصول آن نشانه‌های خدا، معنا و ضخامت محتوا دیده می‌شود و انسان را به سوی مفاهیم

برتر از آنچه در اندیشهٔ بشری است، سوق می‌دهد و اگر دست تشریع بشری بخواهد بخشی به آن بیفزاید یا جمله‌ای را با جمل دیگر ترکیب کند همچون ریگ در میان در و گوهر شناخته می‌شود.

از این رو در مكتب اهل بیت و شیعه، مشرع اذان تنها خداوند سبحان است و جبرئیل امین آن را فرود آورده و به رسول خدا^{علیه السلام} آموخته آن حضرت نیز به بلال (اوّلین مؤذن اسلام) تعلیم داده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۳۸-۴۳۹؛ به نقل از تفسیر قرآن طبی؛ کمپانی، بی‌تا، ص ۱۰۰). در ادامه به برخی از روایات گواه این مطلب اشاره می‌نماییم:

۱. کلینی با سند صحیح از امام باقر^{علیه السلام} روایت می‌کند که فرمود: «چون رسول خدا^{علیه السلام} را در شب معراج به آسمان بردند و به بیت المعمور رسید و وقت نماز شد، جبرئیل اذان و اقامه گفت: پیامبر^{علیه السلام} جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران دیگر پشت سر حضرت صف بستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۰۲).

۲. و نیز با سند معتبر از امام صادق^{علیه السلام} روایت کرده که فرمود: «چون جبرئیل اذان را بر رسول خدا^{علیه السلام} فرود آورد سر آن حضرت در دامان علی^{علیه السلام} بود. جبرئیل اذان و اقامه را گفت. چون پیامبر بیدار شد به علی^{علیه السلام} فرمود: آیا شنیدی؟ حضرت پاسخ داد: آری. دوباره فرمود: آیا حفظ کردی؟ فرمود: آری. پیامبر^{علیه السلام} فرمود: بلال را صدا کنید، علی^{علیه السلام} بلال را خواست و پیامبر به او آموخت» (همان).

حتی برخی از دانشمندان اهل سنت هم این مطلب را به نقل از ائمه طاهرين^{علیهم السلام} در کتب خود آورده‌اند. از جمله: حاکم ابوسفیان اللیل نقل کرده است: «قضایای حسن بن علی^{علیه السلام} پیش آمد در مدینه خدمت او رسیدیم سخن از اذان در میان آمد، بعضی از ما گفتند: آغاز اذان در پی خوابی بود که عبد الله بن زید دید. حسن بن علی^{علیه السلام} فرمود: جایگاه اذان والاتر از این است. جبرئیل در آسمان جملات اذان را دو بار گفت و به پیامبر خدا^{علیه السلام} آموخت» (ر.ک: مستدرک حاکم، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۷۱).

ب. فلسفهٔ تشریع اذان

در خصوص علل تشریع و نزول اذان از امام رضا^{علیه السلام} می‌خوانیم که فرمودند: خداوند اذان را به خاطر علل بسیار دستور داده آن گاه مفاهیم زیر را به عنوان فلسفهٔ اذان ذکر نمودند:

۱. یادآوری مردم و بیدار باشی غافلان

۲. اعلام وقت نماز

۳. دعوت مردم به سوی پرستش خدا و تشویق آن‌ها برای عبادت

۴. اقرار به یکتایی خدا

۵. جهاد در راه خدا

۶. آشکار نمودن اسلام و... (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

در روایت دیگر آمده که از رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} سؤال کردند: «چرا قبل از نماز اذان و اقامه مستحب است ولی در مورد عبادات دیگر این چنین نیست؟» حضرت فرمود: به خاطر این که نماز شبیهٔ حالات مختلف انسان در قیامت است اذان به نفحهٔ اوّل شباهت دارد که با نفحهٔ اوّل (دمیدن اسرافیل در صور) همهٔ مردم می‌میرند و از همین جاست که نشستن و سجده کردن بعد از اذان مستحب است (سجده اشاره به مرگ و بازگشت انسان به خاک و زمین است) و اقامه نماز، شبیهٔ نفحهٔ دوم است که با دمیدن اسرافیل در صور مرتبهٔ دوم، اموات زنده می‌شوند. خداوند متعال فرمود: «وَ إِسْتَمْعُ يَوْمَ

یُنادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٌ» (ق/۴۱)؛ گوش فرا ده و متظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

۳. ضرورت و اهمیت اذان

الف. ضرورت عقلی

در هر ملت و عصر و دوره‌ای جهت تحریک افراد به انجام وظایف فردی، اجتماعی و مذهبی وسیله و شعاری وجود داشته و هم اکنون هم وجود دارد. به عنوان مثال مسیحیان برای اعلام مراسم مذهبی و دعوت پیروان خود برای شرکت در کلیسا از صدای ناموزون ناقوس استفاده می‌کنند. در اسلام هم از شعار پر جذبه، شیوا و پر مفهوم اذان استفاده می‌شود که هم اعلام فرا رسیدن وقت نماز و صدور اذان و اجازه خداوندی برای راز و نیاز و گفتگوی با او در قالب نماز است و هم وسیله‌ای برای تشویق و تحریک مسلمین به منظور انجام فرایض در ابتدای وقت در بهترین مکان که همان مسجد می‌باشد. در حقیقت با اذان هم اعتلا و شکوه و سروری اسلام بر دیگر ادیان معرفی می‌شود هم اهمیت نماز و لزوم برپایی آن به بهترین شیوه ممکن یعنی جماعت. همچنین می‌توان گفت اذان مقدمه و زمینه‌ساز ایجاد شرایط و آمادگی روحی و قلبی لازم در فرد برای ایستادن به نماز است. با توجه به این مفاهیم و محتوای اذان، قلب، خوفی آمیخته با اشیاق و شفعی خاص برای حضور در نماز و عروج به ملکوت و اتصال با مبدأ خیرات و کمالات پیدا می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۷).

ب. ضرورت نقلی

از دیدگاه آیات

در قرآن کریم دو گونه آیات بیانگر اهمیت اذان و نقش مؤثر آن در ترغیب به نمازخوانی هستند: یک قسم آیاتی که به طور مستقیم در خصوص اذان می‌باشد و قسم دیگر آیاتی که به طور مستقیم جایگاه اذان را بازگو می‌کنند یعنی حاوی واژه‌های علمی هستند و شمول و فراگیری آن‌ها شامل اذان نیز می‌شود به بیان واضح‌تر یکی از مصاديق بارز آن‌هاست. در ذیل به معرفی هر دو قسم می‌برداریم.

۱. آیات قسم اول

«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُرُواً وَلَعِيَاً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/۵۸)؛ و هنگامی که بانگ برآید برای نماز آن را به بازیچه و مسخره می‌گیرند این بدان علت است که ایشان نابخرد هستند.
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه/۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه بانگ داده شود برای نماز از روز جمعه پس بستاید به سوی یاد خدا و رها کنید سوداگری را این بهتر است برای شما اگر بدانید.

به تصریح اهل لغت «نُودِی» از ماده «ندا» به معنای «فراخواندن» و «اعلان کردن» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۳۹۳)؛ بندر بیگی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۸۶) و «نُودِی لِلصَّلَاةِ» یعنی فراخواندن به نماز که منظور همان اذان است زیرا در اسلام ندایی برای نماز جز اذان نداریم.

۲. آیات قسم دوم

«ذلک وَ مِنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج / ۳۲)؛ آری هر که بزرگ شمارد شعارهای خدا را همانا آن از پرهیزگاری دل هاست.

اذان یکی از شعائر الهی و علامه دین مقدس اسلام و از نشانههای بارز مسلمانی است

- «وَ مَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت / ۳۳)؛ چه کسی نیکو سخن تر است از کسی که دعوت به سوی خدا کند و عمل نیک انعام دهد و بگوید منم از اسلام آورندگان. پر واضح است که یکی از مصاديق بارز «دعوت به سوی خدا» اذان است که از منظر قرآن سخنی نیک بوده و مؤذنین هم مورد تحسین خداوند می باشند.

همچنین در یک نگاه دقیق‌تر می‌توان اذان را از مصاديق «ذکر الهی و امر به معروف و نهی از منکر» دانست که در قرآن کریم به آن اشاره شده از جمله:

«... وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَأْكُمْ...» (بقره / ۱۹۸)؛ ... یاد کنید او را بدان سان که شما را رهبری کرد.... .

در اذان هم انسان خداوند را به یگانگی یاد می‌کند:

«وَ لَتَكُنْ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران / ۱۰۴)؛ و باید باشند از شما گروهی که دعوت به نیکی نمایند و امر به خوبی کرده و از زشتی باز دارند.... . در اسلام اذان وسیله‌ای برای دعوت به نماز است که بهترین خوبی‌هاست.

از دیدگاه روایات

در منابع روایی روایات فراوان و متعددی دال بر اهمیت و جایگاه ارزشی اذان وجود دارد که به مواردی اشاره می‌نماییم.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يا على! الاذان نور» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۵۴).

قال على عليه السلام: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ لِلْمُؤْذِنِ فِيمَا بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ الْمُتَسَخَّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ فَقُلتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُمْ يَخْتَارُونَ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ؟ فَقَالَ: كَلَّا إِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطْرَحُونَ الْأَذَانَ عَلَى ضُعْفَائِهِمْ فَتِلْكَ لُحُومُ حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى النَّارِ» (صدقه، ۱۳۸۴، ص ۶۸)؛ رسول خدا ﷺ فرمود: برای مؤذن در میان اذان و اقامه پاداشی است مانند پاداش شهیدی که در راه خدا در خون خود می‌غلند. گفتم: ای پیامبر خدا اکنون مردم برای گفتن اذان و اقامه بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت. پیامبر ﷺ فرمود: چنین نیست. زمانی خواهد آمد که مردم اذان و اقامه را بر ضعیفان خود و اگزار می‌کنند آن‌گاه خداوند گوشت بدن این‌ها (ضعیفان را) بر آتش دوزخ حرام خواهد کرد.

مُضْلِّلُ بْنُ عُمَرَ می‌گوید: «قالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِلْمُؤْذِنِ مَنْ صَلَّى بِالْأَذَانِ وَ إِقَامَهُ صَلَّى خَلْفَهُ صَفَانَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ صَلَّى بِإِقَامَةِ بَغَيْرِ صَلَّى خَلْفِهِ صَفَّ وَاحِدٍ فَقُلتُ لَهُ: وَ كَمْ مِقْدَارُ كُلِّ صَفٍّ؟ قَالَ: أَفَلَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ أَكْثَرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (همان)، امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس با اذان اقامه به نماز بایستد دو صف از فرشتگان پشت سرش نماز می‌گزارد و هر کس با اقامه تنها بدون اذان نماز بگزارد یک صف از فرشتگان پشت سرش نماز می‌گزارد [مفضل]

می گوید] گفتم: اندازه هر صفحه چقدر است؟ فرمود: کمترین مقدار آن فاصله میان شرق و غرب است و بیشترین مقدارش فاصله میان آسمان و زمین».

علی ع می فرماید: «يُحْسِرُ الْمُؤَذِّنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طِوَالَ الْأَعْنَاقِ»(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۴۹)؛ اذان گویان در روز قیامت با سرافرازی و سربلندی محشور می شوند.

۳. سیره معصومین ع

مطالعه سبک و سیاق زندگی معصومین این حقیقت را روشن می کند که این بزرگواران اهمیت خاصی به رعایت شرایط فرائض دینی و اذکار الهی از جمله نماز و اذان قائل بوده اند از باب نمونه به دو مورد اشاره می نمایم. در جریان شهادت حضرت علی ع در بعضی از منابع می خوانیم که حضرت به مسجد رفته بعد از ساعتی ذکر و نماز و دعا به هنگام دخول وقت فرضیه صبح، به بالای مأدنه رفته و دو انگشت سبابه خود را در گوشها گذاشته و تنحنح کرده و آن گاه اذان گفتند. صدای اذان آن بزرگ مرد چنان بود که در کوفه خانه ای نمی ماند مگر این که صدای رسای اذان حضرت به آن جا می رسید (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۱۸-۱۹).

و نیز روایت شده در ظهر عاشورا بعد از پیوستن حر به امام حسین ع، حضرت مؤذن خصوصی خودش به نام «حجاج بن مسروق» را امر کردند تا اذان بگوید آن گاه به نماز ایستادند لشکر امام و نیز لشکر حر به آن حضرت اقتدا نمودند (همان).

آری امام علی ع حتی در شب شهادت خویش با وجود علم به شهادت باز اذان را ترک نکرد و نه تنها اذان نماز، بلکه اذان اعلام را هم سرداد. همچنین امام حسین ع با دستور به مؤذن خویش به گفتن اذان، اهمیت این مهم را حتی در سخت ترین شرایط زندگی یاد آور شد.

۴. زیبایی های اذان

الف. زیبایی های معنوی اذان

در باب تفسیر معانی اذان روایات متعددی از ائمه معصومین ع وارد شده که ما در اینجا تنها به اختصار براساس محتوا و مضمون یک روایت از امام علی ع، توضیحاتی را ارائه می دهیم و به دلیل طولانی بودن متن روایت از ذکر آن خودداری می کنیم (برای مطالعه اصل روایت مراجعه شود، سید بن طاووس حسینی، فلاح السائل، مترجم: م.ر، قم، انصاری، چهارم ۱۳۸۵، ص ۲۶۳-۲۶۶).

- براساس فرموده امام علی ع، «الله اکبر» در اذان معانی فراوانی دارد از جمله:

معنای اوّل: خداوند اول، پیش از هر چیز از لی و آخر و بعد از هر چیز و ابدی است و نمی توان او را در ک نمود. معنای دوم: خداوند دانای کارдан و آگاه به هر چیزی که پدید آمده و می آید بوده و از قبل از پیدایش به آن آگاه بوده است.

معنای سوم: خداوند قادر و به مخلوقات مقتدر است و قدرتش بر تمام اشیا استوار می باشد و هر گاه چیزی را اراده نماید آن چیز بی درنگ موجود می شود.

معنای چهارم: خداوند آن چنان حلیم و بربار است که گویی از گناه بnde آگاهی ندارد و آن چنان عفو و گذشت می کند که گویی بnde گناهی انجام نداده و از روی کرم در عقوبت شتاب نمی کند.

معنای پنجم: خداوند بخشنده و بسیار عطا کننده و افعالش بزرگوارانه و با کرامت است.

معنای ششم: خداوند بزرگتر و متزه از آن است که توصیف کنندگان اندازه اوصافی را که بدان متصف است، درک نمایند و افرادی که او را می ستایند، تنها به اندازه درک خویش می ستایند؛ نه به اندازه عظمت و جلالی که دارد.

- در معنای شهادت به وحدانیت خداوند «أشهدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

در مرتبه اول، مؤذن اقرار می کند که آگاهی دارم که معبدی جز خداوند عزوجل نیست و هیچ پناهگاهی برای گریز از خداوند، جز به سوی او و راه نجات از شر هیچ بدروسان و فتنه هیچ آسیب رسانی جز به سوی خداوند وجود ندارد.

در مرتبه دوم، گواهی می دهد که راهنمایی جز خدا نیست و کل کائنات را گواه می گیرد که خلق و امر در جهان تنها از اوست و همه خیر و خوبی منحصر به اوست.

- معنای «أشهدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ»

در مرتبه اول، مؤذن گواهی می دهد که محمد بنده و فرستاده خداست که او را همراه با هدایت خود و دین و آیین حق به سوی همه مردم فرستاد تا دین او را بر تمام ادیان غالب گرداند هر چند مشرکان را خوش نیاید و کل هستی را گواه می گیرد که محمد سرور اولین و آخرین پیامبران است.

در مرتبه دوم، گواهی می دهد که خداوند حضرت رسول را به عنوان بشارت دهنده مؤمنان و بیم دهنده کافران به اذن خود به سوی آنان فرستاد. پس هر کس پیامبری او را انکار نمود و نپذیرفت، او را وارد آتش جهنم می کند در حالی که جاودانه در آن جا بوده و هیچ گاه از آن جا به جای دیگری منتقل نخواهد شد.

معنای «حَيٌّ عَلَى الصَّلَاةِ»

در بار اوّل مؤذن می گوید: بیاید به سوی بهترین کارهایتان (که نماز است) بشتابید به سوی آمورزش پروردگاریتان و خاموش کردن آتشی که به واسطه گناهاتتان افروخته اید و آزاد کردن خود از گرد گناهاتتان تا خداوند بدیهایتان را پوشیده و به نیکی تبدیل نماید که فرمانروایی با کرامت است و به ما مسلمانان اجازه داده تا در خدمت و بندگی و در محضرش وارد شویم.

بار دوم تأکید می کند که پاخیزید به سوی مناجات با پروردگار و با کلام او به او توسل جویید و آن را واسطه بین خود و او قرار دهید و بسیار به یاد او قنوت، رکوع، سجود، خشوع و خضوع نمایید و حوائج خود را به درگاه او ببرید که خود اجازه این کار را به شما داده است.

- معنای «حَيٌّ عَلَى الْفَلَاحِ»

در بار اول، مؤذن می گوید: رو آورید به سوی پایداری که فنا و نیستی در آن نیست؛ به سوی نوری که هیچ تاریکی و تنگی در آن راه ندارد و به سوی برافروختگی و شادمانی که پایان پذیر نیست و به سوی توانگری که هیچ نیازی به دیگران در آن نیست.

و در بار دوم، تأکید می کند که از یکدیگر پیشی گیرید به سوی آن چه شما را به آن دعوت کردم؛ به سوی کرامت افزون و نعمت بلند پایه و رستگاری بزرگ در جوار حضرت رسول ﷺ در مقام صدق و راستی نزد خداوندی که فروانروای مقتصد و تواناست.

- «الله أكْبَر»

در مرتبه اول، یعنی خداوند بالاتر و بلندتر از آن است که احدي از مخلوقاتش از کرامتی که برای بندهاش مهیا نموده آگاه باشد آن بندهای که از او اطاعت کرده او را شناخته، به یاری اش مشغول شده، بر او اعتماد کرده و به او مشتاق و از او خائف بوده و به حکم و قضای او راضی بوده است.

در بار دوم، تأکیدی بر این که او بزرگ‌تر است از این که احدي اندازه کرامت او نسبت به دوستان و عقوبات وی نسبت به دشمنانش و افرادی که او را انکار کرده‌اند را بداند.

- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

یعنی به واسطه فرستادن رسول ﷺ و رسالت، روشنگری و دعوت او حجت رسای الهی بر مردم تمام شده و او بزرگ‌تر از آن است که احدي بر او حجت داشته باشد پس هر کس او را بپذیرد و به او روى آورد به رستگاری رسیده و هر کس انکارش نماید به راستی خداوند از همه عالمیان بی‌نیاز و سریع ترین حساب‌رسانها می‌باشد.

راوی این روایت از سوی تقیه «حَىٰ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ» را ذکر ننموده است (همان).

اما در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: «خیر العمل همان ولایت است» (شیخ صدوق، ص ۲۴۱، روایت ۲) و در روایت دیگری فرمود: «بهترین عمل نیکی کردن به حضرت فاطمه و فرزندان او می‌باشد» (همان). از مطالعه و بررسی مفهومی روایات اذان این گونه استبطاط می‌کنیم که به طور کلی درس‌ها و آموزه‌های اذان در چند فصل قابل طبقه بندی است:

«الله أكْبَر أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»

الف) توحید و خداشناسی

«أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رسولُ اللهِ»

ب) نبوت و پیامبر شناسی

«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللهِ»

ج) ولایت و امام شناسی

«حَىٰ عَلَى الصَّلَاةِ»

د) نماز شناسی

«حَىٰ عَلَى الْفَلَاحِ»

ه) تلازم ایمان و عمل صالح رمز سعادت ابدی

«اللهُ أكْبَر ابْتَدَا وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ يَأْيَانِي»

و) معاد و مرگ شناسی

اذان رسانترین شعار مسلمانی و گویای مفاهیم بلند اعتقادی است که به الوهیت و وحدانیت خداوندی، بندگی و رسالت حضرت رسول ﷺ و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام صحّه می‌گذارد و گویای این حقیقت مهم است که همه این اقرارها و گواهی دادن‌ها از یک طرف، لازمه عقلی-شرعی قبولی نماز به طور اخص و پذیرش هر عمل نیک دیگری به طور اعم می‌باشد و از طرف دیگر خود به نمود و جلوه عملی نیاز دارد. یعنی باید اثرات این اعتقادات و اعترافات قلبی در عمل و رفتار انسان موحد خداترس نمایان شود. به عبارت دیگر همان لزوم همراهی ایمان و عمل صالح و یقین قلبی، التزام عملی دارد و رمز سعادت و نجات نهایی فرد وجود توأمان این دو در برنامه زندگی وی می‌باشد. حال بارزترین جلوه و مصدق عمل صالح و رکن رکن اسلام، نماز است. نمازی که اگر با آداب و شرایطش باشد، عامل

عروج فرد به فضای قدس و معنویت، رهایی وی از قیود دنیوی و مادی پرستی و سرانجام سعادت و نیک بختی وی در دنیا و آخرت می‌باشد و از شرایط مهم این عامل سعادت، احترام و دوستی اهل بیت علیهم السلام و قبول داشتن ولایت و رهبری آن‌هاست. چرا که توئی و تبری در متن دین از لوازم و نشانه‌های تشیع است.

در قرآن کریم خطاب به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری ۲۳)؛ بگو نخواهم از شما مزدی بر آن جز دوستی درباره نزدیکان...».

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم دوستی اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مزد رسالت وی معروفی شده است. و نیز در متن ادعیه به خصوص زیارت جامعه کبیره می‌بینیم لزوم و اهمیت این همراهی (دوستی اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آن‌ها) به وضوح و تکرار مشاهده می‌شود.

«فَالْأَغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَآهِقٌ وَالْمُقْصُرُ فِي حَقَّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعْكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ... مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَعْصَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ...» (فرازهایی از زیارت جامعه کبیره)

«هر کس از طریق شما برگشت از دین خدا خارج شده و هر کس ملازم امر شما بود ملحق (دین خدا) گشت و هر کس در حق شما کوتاهی کرد محو و باطل گردید و حق با شما و در خاندان شما و مبدائش شما و مرجعش به سوی شماست... هر کس شما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس شما را نافرمانی کند معصیت خدا را کرده و کسی که شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر کس با شما خشم ورزد با خدا خشم ورزیده است...»

در نهایت، جملات پایانی نماز را می‌توان از طریق گویای عرفانی و سیر معنوی بندگان در زندگی جهت رسیدن به هدف غایی آفریش (قرب حق) دانست. سیر من الله الى الله که خود بخشی عرفانی است و از حوصله این نوشтар، خارج. هم‌چنین این جملات به طور تلویحی و غیر مستقیم ترسیم گر حرکت و سفر پایانی همه انسان‌ها به سوی خدا یعنی ترسیم مرگ و تعریف مختص‌ری از آن این قانون زندگی و سنت الهی است که همه کس و همه چیز فانی و نابود شونده‌اند و آنچه پاینده و باقی است، خداست: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت ۵۷)؛ و مرگ هم یعنی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ» (بقره ۱۵۶)؛ همانا همه از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت.

جملات پایانی اذان این حقیقت را یادآور می‌شوند که ای بندگان خدا! آگاه باشید! زمان شما محدود و عمر شما تمام شدنی است و همه به سوی مرگ و خدا در حرکتید به سمت مبدأ جهان باز خواهید گشت مبدئی که بی‌نیاز مطلق، علیم ازلی، قدری ابدی و... است پس تا فرصت دارید تلاش کنید چنان معاش نمائید که در نهایت توشه‌ای از ایمان راستین و اعمال شایسته جهت سفر طولانی و پر خوف و خطر و عرضه در پیشگاه عدل الهی فراهم داشته باشید و در آخرین لحظات زندگی هم، زبان شما به راحتی گویای عقاید حقه تان باشد و خدای ناخواسته بدون قدرت تکلم و ادای شهادتین از دنیا نروید.

در خصوص رمز تکرار عبارات اذان هم به نظر می‌رسد تکرار هر عبارت علاوه بر این که نشانگر اهمیت مطلب و لزوم توجّه بیشتر مؤذن و مخاطبین به مفاهیم اذان است، فواید زیادی هم دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به بیدارسازی غافلان، تذکار و آگاهانیدن فراموش کاران، تهدید و اتمام حجّت با کافران و معاندان و بشارت به صابران و مؤمنان اشاره نمود و این تکرارها نه تنها آسیب و لطمہ‌ای به زیبایی اذان نمی‌زنند، بلکه آن را دو چندان و مفهوم آن را روشن تر

نیز می‌سازند. همان‌گونه که ذکر مکرر آیه (فَبِأَيِّ الْأَيَّرِ بَكُمَا تُكَذِّبَانِ) در سوره الرحمن، اهداف و نکات خاص خویش را در هر مرتبه دنبال می‌کند و با وجود همهٔ این مکرر گفتن‌ها، باز این سوره در نهایت زیبایی بوده و به عروس قرآن کریم معروف می‌باشد.

به راستی هر صاحب خردی در می‌یابد که اذان درسی کامل و معلمی بی‌نظیر است؛ هم جهان‌بینی و نظام شناختی و عقیدتی فرد را پایه‌ریزی و اصلاح می‌نماید و هم نظام رفتار و الگوهای عملی وی را تنظیم و معرفی می‌نماید. به فرد هدف و جهت می‌بخشد. او را از پوچی انگاری و نامیدی رهانیده و به قبله حاجات و پناه بی‌پناهان متوجه و متمایل می‌سازد و به علت آثار عمیق و فوق العاده‌اش است که وقتی کودک متولد می‌شود، آن را در گوش راست وی نجوا می‌کند و در گوش چپ وی هم اقامه را؛ تا از همان نخستین ساعات تولد روح و جان مولود با این تعالیم آشنا شود و همین القایات، پشتونهای برای هدایت و بصیرت او در زندگی باشد تا اگر به هر دلیلی از سیر مستقیم منحرف شد باز به خاطر همین تلقینیات اویلیه امیدی برای بازگشت به اصل و توبه و استغفار وی هر چند هم ضعیف، وجود داشته باشد.

در وصایای حضرت رسول ﷺ به امام علی علیه السلام آمده:

«يا على! إذا ولدَكَ غلامٌ أو جاريَةٌ فادَنْ في اذنهِ الْيُمْنِي وَ أَقِيمَ فِي الْيُسْرِي فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۴)؛ یا علی! هر گاه فرزند پسر و یا دختری برایت متولد شد در گوش راست وی اذان و در گوش چپ اقامه بگو که شیطان هرگز به او زیان وارد نخواهد ساخت.

ب. زیبایی‌های زمانی - مکانی اذان

در این قسمت چهار مطلب قابل بحث و مدافعت است که به طور خلاصه توضیحاتی ارائه می‌شود*.

۱) اهمیت زمان و مکان در فرهنگ عبادی

۲) رابطه بین زمان و مکان با اذان

۳) آموزه‌های زمانی اذان

۴) آموزه‌های مکانی اذان

۱. اهمیت زمان و مکان در فرهنگ عبادی

در فرهنگ دینی در رابطه و اتصال انسان با خدا، کیفیت و عوامل مؤثر در برقراری و اثر بخشی این رابطه به دو عنصر زمان و مکان توجه خاصی شده است. به طوری که خداوند در قرآن کریم در بسیاری موارد به اوقات و مکان‌هایی خاص قسم یاد نموده و بندگان را به عبادت در آن‌ها متوجه نموده است. از قبیل:

«والعَصْرِ...» (عصر/۱)، «والصُّبْحِ...» (تکویر/۱۸)، «الفَجْرِ...» (فجر/۱)؛ «والطُّورِ سَيِّنِينِ وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينِ...» (تین/۲ و ۳) «... وَسَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ وَ مِنَ اللَّيلِ فَسَبَّحَهُ وَ أَدْبَارَ السُّجُودِ» (ق/۳۹ و ۴۰)؛ ... تسبیح گوی به سپاس پروردگار خویش، پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرورفتن آن و در پاسی از شب پس تسبیح گوی او را از پس سجده‌ها.

*. لازم به ذکر است این تقسیم بندی‌ها تنها براساس برداشت‌ها و فهم نویسنده از مفهوم اذان است و فقط برای استناد سازی از آیات و متنون روایی استفاده شده است.

«... و لَيَطَوُّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج /٢٩)؛ ... و باید طواف کنند گرد خانه کهن.

که به بیانی گویای این مطلب است که ای بندگان من! من این لحظات و مکانها را بر گزیده ام پس برای بهره مندی بیشتر از رحمت و فیوض خاصه من و جلب رضایت و خشنودی ام، از این بابها وارد شوید و به سوی من آید. در لحظات و ایامی چون اوقات نماز، ماه رمضان، شب های قدر، شب های جمعه، سحر گاهان و... و اماکنی چون مساجد، حرم ائمه طاهرین علیهم السلام، مسجد الحرام و....

البته در اسرار و آثار تقدس بعضی از زمان و مکانها آنچه بیشتر از همه جلوه گر بوده و با عقل عادی بشر قابل فهم است، همان باز بودن درهای رحمت الهی و نزول برکات و توجّهات خاصه خداوندی در پذیرش دعای بندگان است. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم که فرمود: «آن گاه که مؤذن اذان می گوید، درهای آسمان گشوده می شود و دعا مستجاب می گردد و هنگامی که وقت گفتن اقامه فرا می رسد هیچ دعایی رد نمی شود» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۲۹). علاوه بر مطلب فوق، آنچه که رغبت و همت مؤمن خداپرست را در توجه به زمان و مکان در عبادت بیشتر می کند، مسئله بهره گیری از شفاعت و شهادت این دو در روز قیامت است. زیرا زمان و مکان و سایر اشیاء غیر از حیوانات هر چند در این دنیا حیات و شعوری ندارند اما در عالم دیگری که جلوتر از این عالم ایجاد شده اند از قبیل عالم برزخ، قیامت و مکاشفات اهل کشف و شهود، دارای مراتبی از وجود، شعور، حب و بعض و حتی قدرت نطق و بیان می باشند. به طور کلی همه موجودات در هر عالمی صورت ها و احکام مخصوص به همان عالم را دارند که با صور و احکام عالم دیگر متفاوت است و از خواص عالم آخرت نیز دار زندگی بودن آن است:

«إِنَّ دَارَ الْآخِرَةِ لَهُ الْحَيَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت /٦٤)؛ همانا سرای آخرت دار زندگانی است اگر می دانستند.

علاوه بر آیات و روایات موجود که دال بر حیات و شعور زمان و مکان و اشیاء در عالم بالا هستند می توان به مواردی که در همین دنیا به صورت اعجاز صورت گرفته و پرده از ملکوت اشیاء برداشته، اشاره نمود از قبیل: تکلم سنگریزه در دستان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، زنده شدن عصای موسی علیه السلام و مرغ عیسی علیه السلام و همچنین به مواردی که توصیه به سلام و وداع با بعضی زمانها و مکانها شده است. مواردی از قبیل: سلام و وداع با ماه رمضان و یا سلام و وداع با مدینه النبی صلی الله علیه و آله و سلم، چرا که خطاب قرار گرفتن شیء بی روح مطلق در سلام و خدا حافظی قبیح و بی مفهوم است.

پس با این تفاسیر همه امور بی جان در قیامت جان گرفته و به سخن خواهند آمد خاصه زمین و محل هایی که بنده در آنها خدا را یاد نموده و لحظاتی که در آنها به عبادت حق مشغول بوده؛ همه به اذن و رضایت خداوند، به نفع یا علیه او شهادت داده و شفاعت خواهند نمود (خسروی، ۱۳۸۷، صص ۳-۳۲۰).

۲. رابطه زمان و مکان با اذان

زمان و مکان هر دو ظرفند و اذان، مظروف و در عین حال رابطه بین آنها دو طرفه و تکاملی است؛ یعنی هم تقدس زمانی - مکانی بر ارزش و فضیلت اذان می افزاید و هم اذان به زمان و مکان خویش معنویت و ارزش می بخشد و هر سه، ارزشمندی ذاتی خویش را از جانب حق تعالی و به واسطه رحمت گسترده وی کسب کرده اند. پس می توان گفت: از حيث معنوی او لا، اذان متأثر از زمان و مکان خویش است؛ زیرا قداست و معنویتی که اوقات شرعی و هنگامه های نماز برای نیایش با معبد و استعانت از قدرت بی کران او دارند در تعیین وقت اذان برای فراخوانی به این مهم دخیل بوده و همچنین پاکی و ارزش والایی که اماکن مذهبی خاصه مسجد در روی زمین دارد به گونه ای که می تواند انسان

عبد نماز گزار و با اخلاص را از فرش به عرش تعالی سوق داده و در سیر عروج وی به ملکوت سرعت بخشد، در اذان هم تأثیر گذاشته و باعث شده جهت جلب توجه بیشتر قلوب جذبیت و اثر بخشی بیشتر اذان، آهنگ آن از فراز مناره‌های مساجد بر فضای شهر طین انداز شود. ثانیاً اذان مؤثر بر زمان و مکان خویش است زیرا از آن حیث که اذان نوایی ملکوتی است و با هر آهنگ و موسیقی ساخته شده بشری متفاوت است، در هر زمان و مکانی که خوانده شود به آن تقدس و شرافت ویژه بخشیده و به مخاطبین خویش هم حالتی عارفانه و ملکوتی می‌بخشد. خواه آن زمان و مکان در ذات خویش معنویت خاص داشته باشد یا نداشته باشد. درست مثل عطر خوش بویی که در هر ظرفی بریزید بوی خوش آن به ظرف سرایت کرده و حتی تا مدت‌ها بعد از اتمام عطر ظرف همچنان معطر می‌ماند. پس اذان از آن جهت که نوری و قدسی است به هر چیزی که در رابطه با آن باشد، نورانیت می‌دهد؛ چه زمان، چه مکان، چه مؤذن و چه مستمعین همه در مراتبی از نور و معنویت قرار می‌گیرند و چه زیبا خداوند تناسب بین این ظرف و مظروف را برای رسیدن به هدف خویش رعایت نموده؛ هدفی که همان آماده سازی و ایجاد حسن خواشایند در بندگان در رابطه و گفتگو با یگانه خالق جهان و ترغیب آن‌ها برای بهره گیری بهینه از اوقات و اماکن و توجه همه جانبیه به اهمیت و پیام‌های اذان جهت اصلاح و تکمیل عیوب عقیدتی و رفتاری خویش و صعود به درجات کمال می‌باشد (ر.ک: شریف تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

۳. آموزه‌های زمانی اذان

در دین اسلام به داخل شدن وقت نماز، اذان گفته می‌شود که از طرفی برای به یاد آوردن و اعلام وقت نماز است زیرا در گیرودار مسائل روزانه به یاد داشتن دقیق اوقات شرعی کار آسانی نیست و از طرفی دیگر فراخوانی و دعوت مردم برای شرکت در نمازهای جموعه و جماعت می‌باشد زیرا آیات و روایات زیادی در اهمیت و توصیه به برگزاری صفوں جماعت وجود دارد از جمله:

«وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ أُتُوا الزَّكُوْنَ وَ ارْكُعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره/۴۳)؛ نماز را به پای دارید و زکات بدھید و همراه رکوع کنندگان رکوع نمایید (نماز جماعت به جای آورید).

و از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمود:

«مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ الْعَشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَّاةُ الْغِدَاهِ فِي الْمَسْجِدِ فِي الْجَمَاعَةِ فَكَانَ مَا أَحْيَهُ اللَّهُ أَكْلُهُ» (علیقی، ۱۳۷۵، به نقل از امالی صدوق، ص ۲۷۰)؛ هر کس نماز مغرب و عشاء و صبح را در مسجد و به جماعت بخواند گویی تمام شب را به عبادت زنده نگاه داشته است.

اذان این آهنگ موزون و شعار انسان‌ساز که در اوقاتی خاص خوانده می‌شود، از حیث زمانی به طور مستقیم و غیرمستقیم آموزنده و یادآور دو مسئله مهم در زندگی بشر است:

اول: محدود بودن فرصت‌ها و پیشامد مرگ

توجه به این که در اذان واژه «حی» به معنی «بشتایید» معانی زیادی دارد که یکی از آن‌ها این است که ای شمایی که محدود به زمانیست! بشتایید و زمان را دریابید! چرا که زمان در گذر است و اوقات عمر فانی و بی‌بازگشتن. هر آنچه از وقت شما فوت شد، دیگر به دستان نمی‌آید. خوب بنگرید که چگونه آن را سپری می‌کنید آیا در سیر سعادت و کمال و یا خدای ناخواسته تباہی و زوال! چرا که روزی در پیشگاه حق مطلق باید پاسخگوی اوقات و کردار خویش باشد. آن‌گاه که مرگ این حقیقت زندگی شما را دریافت، دیگر نمی‌توانید به ذخیره اعمال صالح و توشه سازی آخرت

بپردازید. پس تا فرصت باقی است و از مزرعه دنیا روزی می‌خورید به طور احسن از نماز و اعمال صالح دیگر در جهت رسیدن به سعادت بھرہ گیرید تا در قیامت به حسرت و پشیمانی مبتلا نگردید و از هر گونه وحشت و بیمی در امن مانید: «وَ مَنْ يَعْمَلِ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَ لَا هَضْمًا» (طه / ۱۲)؛ هر کس عمل کند به شایسته‌ها در حالی که مؤمن باشد پس نترسد از هیچ ستم و پایمال شدنی.

دوم: برنامه‌ریزی و نظم در امور

اذان که آماده باشی برای نماز است وقت، برنامه ریزی و نظم را تعليم داده و متذکر می‌شود که چنان در گیر مسائل زندگی نشوید که قدرت تشخیص اهم و مهم را از سایر امور نداشته باشید و آن گاه باز مانده و به بی‌راهه بروید. ای بندگان خدا! نماز در رأس امور و عمود خیمه دین است که اوقات فضیلت آن هم مشخص است. بهوش باشید زندگی خویش را طوری تنظیم نمایید که بتوانید همه مسائل لازم خاصه نماز را جهت رستگاری و خوشبختی خویش در وقت مفید و شایسته آن‌ها، انجام دهید.

۴. آموزه‌های مکانی اذان

از لحظه مکانی هم اذان شرایط ویژه دارد اوّل آن که مستحب است از جای بلند گفته شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «رسول خدا ﷺ هنگامی که وقت نماز می‌شد به بالل می‌فرمود: بالای دیوار (مسجد) برو و اذان را با صدای بلند بگو» (ر.ک: عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۶۹) زیرا بلندی مکان به انتشار صوت در فضا کمک کرده و افراد زیادی قدرت شنیدن آن را خواهند داشت، دوم این که به سمت قبله باشد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يَسْتَقِبِلُ الْمُؤْذِنُ الْقِبْلَةَ فِي الْأَذَانِ وَ إِلَاقَمَةِ» (همان، ص ۷۰)؛ مؤذن هنگام گفتن اذان و اقامه رو به قبله باشد.

از این که مستحب است اذان از فراز مناره و مآذنه‌های مسجد خوانده شود یک مطلب اساسی را می‌توان فهمید: اذان شعار اسلام است و اسلام هم اکمل و اتم همه ادیان بوده و تعالیم آن فوق تعالیم دیگر مذاهب و ادیان است پس شعار و منادی آن هم باید برتر از همه شعارها باشد و این برتری در همه جواب و به حدی است که حتی موقعیت مکانی آن هم مقدس و فوق همه اماکن دیگر روی زمین است. یعنی از فراز بلندترین محل از بهترین و مقدس‌ترین مکان‌ها مثل مسجد خانه خدا. و از این که مستحب است شخص مؤذن در راستای قبله بایستد و اذان بگوید هم می‌توان دریافت تعالی و تقدس اذان مؤذن، وقتی به شخص تعالی و تقدس می‌بخشد که روح و جانش هم همراه و همقدم با جسم او باشد. بدین معنا که در عبادت تمام حواس و توجه فرد باید به مفهوم و مقصد عبادت باشد تا بتواند رشد کرده و عروج گیرد چرا که اصالت انسان به روح است وقتی روح او را همراهی نکند جسم تنها هر چند در پاک‌ترین مکان و والاترین نقطه ممکن هم باشد، باز نمی‌تواند موجب کمال، سعادت و تقرّب فرد به ایزد منان گردد. پس وقتی توصیه شده جسم در راستای کعبه باشد به طریق اولی روح شخص هم باید در راستای خدای کعبه و خالق یکتا باشد تا زمینه اتصال به مبدأ و اثر بخشی عبادت فراهم آید.

ج. آداب و احکام در اذان

اذان هم مثل سایر عبادات، چه واجب و چه مستحب آداب و شرایط خاص خویش را دارد که توجه و عمل به آنها ادب بندگی و شرط کمال عبادت است. در اینجا به دلیل پرهیز از اطالة کلام به مواردی از آداب و احکام اذان اشاره می‌کنیم.

۱. مؤذن باید با طهارت (وضو یا غسل) و به سمت قبله باشد.
۲. مؤذن باید اذان و اقامه را با دو رکعت نماز یا چند قدم راه رفتن، نشستن، سجده کردن، ذکر گفتن و یا دعا و سکوت فاصله اندازد.
۳. خوب است افراد میان اذان و اقامه دعا کنند که رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «الدعا بين الاذان والاقامه لا يرد» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۷۱)؛ دعا بین اذان و اقامه رد نمی‌شود.
۴. مؤذن از حرف زدن بین اذان و اقامه پرهیز کند.
۵. مؤذن آخر فصول اذان و اقامه را جزم دهد و اذان را با تأثی و به صورت ترتیل و اقامه را با سرعت و با بیم و اندوه بخواند.
- در حدیثی از امام صادق علیه السلام: «الاذان ترتیل والاقامه حذر» (همان، ص ۷۳)؛ اذان را به صورت ترتیل و اقامه را به صورت بیم و اندوه بخوانید.
۶. مؤذن دو انگشتیش را هنگام اذان گفتن بر دو گوشش بگذارد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «من السنة اذا أذن الرجل أن يضع اصبعيه في اذنيه» (همان، ص ۷۱)
۷. از آداب اذان آن است که مؤذن دو انگشتیش را هنگام اذان گفتن بر گوشش بگذارد.
۸. مؤذن، فضیح، خوش صدا و رفیع الصوت باشد. زیرا صوت دلشیون مؤذن از عوامل جذب و گرایش افراد به سمت دین و نماز می‌باشد. به فرموده امام علی علیه السلام: «ليؤذن لكم أفصحكم» (بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۶۱)؛ اذان گوی شما باید فضیح ترین شما باشد.
۹. مؤذن با تقوا باشد و از هوا و هوس پرستی و از گناهان مربوط به زبان (دروغ، غیبت و...) پاک باشد.
۱۰. مؤذن آگاه به اوقات شرعی و وقت شناس باشد.
۱۱. افرادی که اذان را می‌شنوند لبیک گفته و الفاظ اذان را به امید ثواب تکرار نمایند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «به یهود و نصاری سلام کنید ولی به یهود و نصاری از امت سلام نکنید، و آن کسی است که اذان را بشنود و به نماز جماعت نرود» (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۱، ص ۲۸، به نقل از: لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۴)
۱۲. مؤذن آگاه به اوقات شرعی و وقت شناس باشد.
۱۳. افرادی که اذان را می‌شنوند لبیک گفته و الفاظ اذان را به امید ثواب تکرار نمایند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «به یهود و نصاری سلام کنید ولی به یهود و نصاری از امت سلام نکنید، و آن کسی است که اذان را بشنود و به نماز جماعت نرود» (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۱، ص ۲۸، به نقل از: لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۴)

د. زیبایی‌های لفظی اذان

تکرار	عبارت عربی اذان	ترجمه اذان	فرقه
۴	الله اکبر	خدا بزرگتر از آن است [که توصیف شود]*	شیعه و سنی
۲	اشهد ان لا إله إلا الله	گواهی می‌دهم خدای جز خدای یگانه نیست	شیعه و سنی
۲	أشهَدُ أَنَّ مَحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ	گواهی می‌دهم که محمد ﷺ فرستاده خداست	شیعه و سنی
۲	أشهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ	گواهی می‌دهم که علی علیه السلام ولی خداست**	فقط شیعه
۲	حَىٰ عَلَى الصَّلَاةِ	بشتاب بسوی نماز	شیعه و سنی
۲	حَىٰ عَلَى فَلَاحِ	بشتاب بسوی رستگاری	شیعه و سنی
۲	الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ	نماز از خواب بهتر است***	فقط سنی
۲	حَىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ	بشتاب به سوی بهترین کارها****	
۲	الله اکبرُ	خدا بزرگتر از آن است [که توصیف شود]	شیعه و سنی
۲	لا إله إِلَّا اللَّهُ	خدایی جز خدای یگانه نیست	شیعه ۲ مرتبه / سنی ۱ مرتبه

توضیح خانه‌های ستاره دار جدول اذکار و الفاظ اذان:

*پیروان مذهب مالکی «الله اکبر» ابتدای اذان را به جای چهار بار تنها دو بار می‌گویند.

**عبارت «أشهد انَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» که فقط شیعیان در اذان می‌خوانند با این حال شیعیان اذاعان دارند که این جمله جزو اذان و اقامه نیست و خواندن آن نیز واجب نیست بلکه مستحب و مستحسن است (الخلاف، ج ۱، ص ۲۷۸؛ جواهر الكلام، ج ۹، ص ۸۱) گاه بعضی از شیعیان عبارت دیگری را نیز اضافه می‌کنند «أشهَدُ أَنَّ مُولَانَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا وَأَبْنَاؤهُ الْمَعْصُومِينَ حُجَّ اللَّهِ»؛ شهادت می‌دهم که امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصومش حجت‌های الهی هستند (در زمین). و یا «أشهَدُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ عِصْمَةُ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْحُجَّاجِ»، شهادت می‌دهم که فاطمه دختر رسول خدا، پاکدامن بزرگ خدا و حجت و دلیل خدا بر سایر حجج می‌باشد.

حال با توجه به این مسئله گاه اشکال و شباهاتی مطرح می‌شود که دو نمونه اشاره می‌نمایم.

اشکال اول: آیا طرح شهادت به ولایت حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام در اذان و اقامه و یا اذان‌های عمومی از موارد بدعت در دین نیست؟ چرا که هنگام نزول اذان و در زمان پیامبر اکرم ﷺ مطرح نبوده و حتی از ائمّه شیعه هم احادیث زیادی موجود است که این مطلب را تأیید می‌کند از جمله حدیثی که از امام صادق علیه السلام در وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی در جلد چهارم کتاب الصلاة - ابواب اذان و اقامه باب ۱۹، ص ۶۴۴ حدیث نهم آمده و حضرت متن کامل اذان را بدون دو عبارت فوق ذکر کرده‌اند وانگهی اگر بنا باشد که به حضرت زهرا علیه السلام شهادت دهیم پس باید به تمام یازده تن امام دیگر هم شهادت دهیم؟ آیا این اضافه‌ها از موارد بدعت و تحریف اذان محسوب نمی‌شوند؟ (حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۲)

پاسخ اشکال اول:

ما شیعیان این شهادت را جزئی از فصول اذان و واجب در آن نمی‌دانیم بلکه به عنوان جزئی از ایمان و به نیت جواز و رجاء برای قبولی می‌گوییم اگر به عنوان جزئی از اجزاء و به نیت و جوب در اذان باشد، بدعت در دین محسوب می‌شود. ما اهل تشیع براساس روایات فراوانی که هم شیعه و هم اهل سنت – به خصوص اهل سنت – در یکی از صحاح سنه از ام سلمه از جناب رسول الله ﷺ نقل کرده‌اند شهادت و اقرار به ولايت امير المؤمنین علیهم السلام را جزئی از ایمان می‌دانیم. لذا اهل تسنن را که در اذان و غیر آن به رسالت حضرت رسول الله ﷺ شهادت می‌دهند ولی شهادت به ولايت حضرت علی علیهم السلام را قبول ندارند تنها به عنوان مسلمان می‌شناسیم نه مؤمن چون به جزئی از ایمان اقرار نکرده‌اند و مصدق آية کریمه زیر هستند.

«أَفَتُؤْمِنُونَ بِعَضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفِرُونَ بِبَعْضٍ ...» (بقره/۸۵)؛ آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کفر می‌ورزید. در روایتی از حضرت پیغمبر ﷺ آمده: «لَا يُحِبُّ عَلِيًّا مُنَافِقٌ وَ لَا يُبْغِضُهُ مُؤْمِنٌ» (حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۴)؛ منافق هرگز علی علیهم السلام را دوست نمی‌دارد و مؤمن هم هرگز نسبت به او کینه نمی‌ورزد. پس هر کس به علی علیهم السلام بغض بورزد مؤمن نیست و از این روایت معنای این جمله که گفتیم «ولايت علی علیهم السلام جزئی از ایمان است» برداشت می‌شود. در منطق شیعه اگر کسی در اذان، شهادت به ولايت امام علی علیهم السلام را مطرح نکند، از دو حال بیرون نیست یا ترک این شهادت از روی عناد و کینه نسبت به حضرت است که در این صورت شخص مسلمان است ولی از دایره ایمان خارج می‌باشد. چون جزء ایمان را ترک کرده است و یا از این جهت که این عبارت جزء فصول اذان نیست، می‌باشد که در این صورت اشکالی ندارد اما لازمه شهادت به رسالت حضرت رسول ﷺ شهادت به تمام آنچه ایشان از ناحیه حق آورده، می‌باشد که از جمله آنها ولايت حضرت علی علیهم السلام است (ر.ک: حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۲-۴۰). همان طور که خود در روز عید غدیر خم در جمع حجاج فرمود: «مَنْ كُنْتُ مُولَاهُ وَ هَذَا عَلَى مُولَاهٍ فَمَنْ يَنْكُثُ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۸۹)؛ هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست پس هر کس که ایمان روز غدیر را نقض کند به ضرر خودش نقض کرده است.

و این که شهادت به ولايت امام علی علیهم السلام به طور رسمی در زمان پیغمبر ﷺ و ائمه شیعه علیهم السلام در اذان گفته نمی‌شده است (براساس متون تاریخی و روایات، بعضی از اصحاب و اذان خود شهادت به ولايت را ذکر می‌کردند، ر.ک: عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۸۷) را می‌توان براساس مصالح سیاسی اسلام، تدابیر مربوط به نبوت و حفظ جان امام از توطئه دشمنان و جلوگیری از تحریف اذان دانست و همان طور که با وجود منزلت و جایگاه رفیع امام علی علیهم السلام در هیچ جای قرآن به صراحة نامی از ایشان برده نشده تا قرآن از تحریف و دستکاری مخالفان مسئله امامت در امان ماند و جان حضرت نیز از توطئه‌های شوم دشمنان حفظ شود؛ در اذان هم به صراحة و به عنوان جزئی از اجزاء آن این عبارت نیامده تا در طی قرون و اعصار این شعار ملکوتی از تحریف و دستکاری اغيار مصون ماند. به هر حال به تصریح فقهای شیعه هیچ کس حق ندارد به نیت و جوب و به عنوان جزئی از اذان جمله‌ای در آن اضافه نماید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «يا على! مثلک مثل " قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ " مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ فَكَانَمَا قَرأَ ثُلُثَ القرآنَ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ أَعْانَكَ بِلِسانِهِ فَكَانَمَا قَرَأَ ثُلُثَ القرآنَ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ أَعْانَكَ بِلِسانِهِ فَكَانَمَا قَرَأَ ثُلُثَ القرآنَ وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَكَ بِيَدِهِ فَكَانَمَا قَرَأَ ثُلُثَ القرآنَ كُلَّهُ» (الحصل، ج ۲، ص ۵۸)؛ يا على! مثل تو مانند سوره توحيد است هر کس تو را تنها در قلب دوست

بدارد گویا یک سوم قرآن قرائت کرده و هر کس تو را به قلب دوست بدارد و از نظر زبانی کمک کند گویا دو سوم قرآن و هر کس تو را به قلب دوست بدارد و از نظر زبان و دست یاری دهد گویا تمام قرآن را قرائت کرده است. در مورد شهادت (گواهی) به حضرت زهرا^ع در اذان نیز همین طور است و ذکر عبارت آن در اذان تنها از روی حبّ و دوستی و به تیت ترک و رجاء قبولی می‌باشد (حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۲-۴۰).

اشکال دوم (به هم خوردن موالات در اذان)

در اذان موالات (پی در پی گفتن جمله‌ها و اذکار آن) شرط است و باید رعایت شود. حال اگر شما شهادت به حضرت علی^ع و حضرت زهرا^ع را در آن بگنجانید آیا این شرط را به هم نمی‌زنید؟ و موجب بطلان موالات اذان نمی‌شود؟

پاسخ اشکال دوم: از دیدگاه شیعه این عبارات قول حق و کلمه‌ای مشروع است و موجب ابطال موالات اذان و اقامه نیست و فتوای تمام فقهای چهارگانه اهل سنت، تکلم به کلامی که زیاد نباشد و مخل موالات هم نباشد در بین فصول اذان جایز است مگر احمد بن حنبل که تکلم به کلام غیر مشروع، مثل دروغ و غیبت را در اذان جایز ندانسته و موجب ابطال آن می‌داند اما سایر فقهای اهل سنت قائلند به این که: اگر در بین اذکار اذان کلمه حق و قول مشروعی گفته شود اشکالی ندارد و مخل به موالات اذان نیست. ما اهل تشیع برای این که بخواهیم خودمان را در ایمان به اهل بیت^ع معرفی نماییم و حقیقت واقع را به بالاترین اصوات در مجتمع عمومی عرضه بداریم، در اذان و اقامه‌مان شهادت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا^ع را ذکر می‌کنیم (ر.ک: حسن زاده آملی، بی‌تا، صص ۳۲-۴۰).

* * * «الصلاتُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» نماز از خواب بهتر است.

در فقه شیعه و روایات اهل بیت^ع این جمله وجود ندارد ولی در منابع روایی اهل سنت چند روایت با مضمون‌های مختلف وجود دارد که در برخی از آن‌ها نقل شده رسول خدا^ع اذان را تعلیم داد و امر کرد این جمله را در اذان صبح بگویند و در برخی دیگر آمده است که این جمله را عمر بن خطاب و پسرش عبد الله به اذان اضافه کردند با این استناد که اگر نماز، خیر العمل باشد دیگر کسی در جنگ‌ها شرکت نمی‌کند. پس عبارت نماز از خواب بهتر است را جایگزین کردند.

نیازمند یادآوری است که "صحیح بخاری و صحیح مسلم" که از معتبرترین کتب اهل سنت می‌باشند، در روایات اذان این جمله را نقل نکرده‌اند. مذاهب اربعه اتفاق دارند که این جمله در اذان صبح مستحب است (ر.ک: به صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب صفة الأذان، ح ۳۷۹ و به صحیح بخاری، کتاب الأذان مراجعه شود).

* * * جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» (بشتاب به سوی بهترین کارها) را تنها شیعیان می‌گویند. براساس بحار الانوار در زمان پیامبر اکرم^ع این عبارت در اذان گفته می‌شده اما عمر بن خطاب این جمله را حذف کرد به این تصور که مسلمانان به نماز پرداخته و از جهاد، غافل خواهند شد (همان).

نتیجه گیری

در پایان این مقاله از بین همه آنچه یافتیم و نگاشتیم به این حقیقت رسیدیم که اذان هم مثل نماز چشمۀ شست و شویی است از همه تعلقات دنیوی، خواهش‌های نفسانی و معبدهای دروغین. با چهار تکییر در اذان انسان، خدا را از هوس‌های آلوده، از جلوه‌های دنیا، وسوسه‌های شیطان و القاثات خلق بالاتر دیده و به او روی می‌آورد و به شهادت

توحید رسیده و حاکمیت "الله" را می‌پذیرد و گواهی می‌دهد که هنگامی که "الله" حاکم است برای یافتن حکم او، رسالت محمدی و ولایت علوی و ائمه معصومین علیهم السلام مطرح می‌شود و این شهادت دادن و اصرار و تکرار بر آن، سستی و تنبیه را از انسان زدوده و به وی نهیب می‌زند که «حیٰ علی الصلاة، حیٰ علی الفلاح، حیٰ علی خیر العمل و...» و در مقابل این نهیب، یادآور می‌شود که نماز یادآوری این جریان و عقایدی است که به آن اقرار نموده‌ایم و نمود عینی این شهادت‌هاست و همراه این جریان و فرایند است که انسان زنده می‌شود و از مرگ معنوی می‌رهد و برای رویش استعدادها و زمینه فلاح و انجام بهترین کارها آماده می‌گردد. و دو تکیه بعد از آن به شخص تذکر می‌دهد که توقف بی‌جا ممنوع! چرا که مانع از کسب سعادت است توقف یعنی اسیر عمل‌ها و وابستهٔ حالات خوب خویش شدن که انسان را از هدف و مقصد باز می‌دارد. تمام و اصل زندگی حرکت و شدن به سوی توحید و خداگونگی است. توقف و ایستایی در آن یعنی مرگ و باز ماندن از وصول به مقصود و حرکت به سمت خدا که رمز بقا و جاویدانگی است چرا که تنها آن چیزی باقی می‌ماند که رنگ خدایی داشته و برای او انجام شده باشد نه الله و معبدی دیگر: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ».

به طور خلاصه می‌توان گفت:

اذان، شعار توحیدی است برای مسلمانان، اذان، شهادت است بر یگانگی معبد و رسالت خاتم پیامبران. بانگ بیدار باش است برای موحدان. آهنگ دلنوازی است برای فراخواندن به یک ارتباط زیبا با خالق جهانیان.

آنچه خواندید تنها به صورت تئوری و در تناسب موضوع مقاله آموزه‌ها و مفاهیم تربیتی اذان بود ولی چه خوب و ضروری است همه آنانی که دستی در کار دین و مسئولیت و رسالتی در این وادی دارند به برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های تئوریکی محض بسته ننمایند و از رهگذر این نوع نشست‌ها، به فکر طراحی و ارائه راهکارهای علمی - عملی نوین پیشرفت و جوان پسند امروزی و سازماندهی نیروهای انسانی خلاق و مبتکر جهت عملیاتی کردن راهکارها باشند تا انشاء الله با تلاش‌های هماهنگ، پیگیر و دلسوزانه همه مسئلان و دغدغه‌داران دیانت، شاهد تعالی معنوی افراد و به حداقل رسیدن خرد و فرهنگ‌های معارض با دین و عملکردهای ناهنجار و نامعقول در سطح جامعه اسلامی خویش باشیم و با نشاط و توانمندی مضاعف علمی - عملی در صدور اسلام ناب محمدی به اقصی نقاط دنیا پیروز و سریلنگ باشیم. ان شاء الله

منابع

* قرآن کریم

۱. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. بندر ریگی، محمد؛ فرهنگ بندر ریگی (عربی به فارسی)، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. حاکم نیشابوری؛ مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۵ق.
۴. حسن زاده آملی، حسن؛ شرح نص فاطمیه، شارح، مهدی آملی، ساری، نجم الدین، بی‌تا.
۵. حسینی، رضی‌الدین (سید بن طاووس)؛ فلاح السائل، مترجم: م.ر، قم، انصاری، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۶. دعوتی، ابوالفتح، نماز یعنی رهبری، قم، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۷. دهخدا، علی‌اکبر؛ فرهنگ دهخدا، جلد دوم و چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۸. دهقان، اکبر؛ صد و چهارده نکته از قرآن کریم درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۹.؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
۱۰. شریف تهرانی، سید رضا؛ انسان - فضا - طراحی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۱۱. صدوقد، محمد؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمد رضا انصاری محلاتی، قم، نسیم کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۲. صفائی حائری، علی؛ صراط، قم، لیلة‌القدر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۱۳. عزیزی، عباس؛ ثواب الاعمال (۱۳) ثواب اذان، قم، صلاة، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۴.؛ سلامت روح، قم، نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۵.؛ نماز از زبان امام علی (علیه السلام)، قم، صلاة، ۱۳۷۹.
۱۶. علیقی، محمد علی؛ محراب عشق (در فضیلت نماز جماعت)، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۷. قرائتی، محسن؛ پرتوی از اسرار نماز، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۶.
۱۸. قمی، شیخ عباس؛ منتخب مفاتیح الجنان، تنظیم: مرتضی دانایی، قم، سعید نوین، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۹. کمپانی، فضل‌الله؛ رحمت عالمیان (حضرت محمد المصطفی (علیه السلام)), تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، بی‌تا.
۲۰. محقق دامغانی، محمود؛ اسرار فروع دین در فلسفه نماز، قم، مکتب اهل بیت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۱. محمدیان، محی‌الدین بهرام؛ کتاب پژوهش نیایش، تهران، ستاد اقامه نماز، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۰.
۲۲. مصاحب، غلامحسین؛ دایرة المعارف فارسی، جلد اول، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۳. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر؛ تفسیر نمونه، جلد چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۹.
۲۴. واعظی نژاد، حسین؛ طهارت روح (عبادت و نماز در آثار شهید مطهری (ره)), قم، ستاد عقیدتی - سیاسی وزارت دفاع، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۵. سایت علمی دانشجویان ایران/بخش مذهبی/پاسخگویی به سوالات / ۱۳۸۷/۳/۲۷.